

مقدمه

هیچ مجرمی از مادر خود مجرم و تبه‌کار زاده نشده است، همه انسانها، فطرتی پاک خلق شده و پس از تولد در دوران اولیه زندگی، پاک و معصومند و این تا زمانی است که توسط شرایط خاص محیط خانوادگی، اجتماعی و پرورش به گناه آلوده نشوند زیرا چگونگی رفتار و شخصیت افراد بیشتر به چگونگی محیط اجتماعی و اقتصادی و تربیتی آنها بستگی دارد، بنابراین توجه به این واقعیت ضروری بنظر می‌رسد که جرم و جنایت یا بعبارت بهتر بیماریهای اجتماعی مانند بیماریهای جسمی مسری هستند و اگر قبل از ایجاد انگیزه وقوع جرم ب فکر اصلاح و از بین بردن علل ارتکاب جرم نیافتند ممکن است به دیگران نیز سرایت کند که عواقب سنگین و غیر قابل جبرانی در پی دارد بصورتی که: بر اثر ازدیاد جرم و جنایت قدرت کنترل در جامعه هر روز ضعیف تر و بالطبع بر مقدار مجرمین افزوده می‌گردد.

در تمامی اعصار و قرون جامعه انسانی مواجه با دردها و آسیب های ناشی از کجرویها انحرافات، جرم و جنایات بوده که در هر عصری شکل خاصی پیدا کرده و نوع برخورد با آن هم گوناگون بوده است. در عصر ما بدلالی چون گسترش فقر و محرومیت، جنگ، عدم توجه به جنبه معنوی انسان، سستی و تزلزل ارکان اخلاقی، سقوط خانواده، تکامل ماشینیسیم گسترش مکاتب مادی و الحادی. پوچ گرائیها و لذت طلبی ها و بالاخره عدم توان کنترل زمامداران توسعه بیشتری یافته است.

دورنمای آینده از دید بسیاری از جامعه شناسان، بسیار تیره است و به نظر آنها امیدی به اصلاح اوضاع نیست مگر اینکه تحولی ناشی از روشنگریها و ارشادات سازنده در جامعه رخ دهد وجود چنین اندیه هایی، صاحب نظران را به تلاش و تکاپو وا داشته است که در سایه بررسیهای علمی، ریشه و انگیزه های اینگونه دردها را کشف کرده و راههایی برای پیشگیری و درمان ارائه کنند.

اصل اینست که در جامعه انحرافی پدید نیاید تا نیاز به درمان و اصلاح و احیانا گسیختگی و زندان نباشد و در حیات اجتماعی باید عملی صورت گیرد که انحراف و آسیبی پدید نیاید و در صورت پدید آمدن، مزمّن نگردد که در آنصورت امکان ریشه کن کردن آن بسادگی مسیر نخواهد شد. گاهی هسته اولیه انحرافی در جامعه گذارده شده و مسئولان با نظر بی اهمیتی به آن می نگرند ولی در اندک زمانی شیوع و گسترش یافته و جامعه را دچار آسیب و بحران می کند که این مسئله در رابطه با جوانان بیشتر قابل توجه است زیرا که نیروها می گردانند. چرخ اجتماعند و عوارض به آسانی در آنان رخنه کرده و گسترش می یابد.

در نظام حیات اجتماعی، اسلام در هر حال پیشگیری از وقوع انحراف و جرم را مقدم بر اصلاح می داند و بر مسئولیت نظارت افراد را در رابطه با هم تاکید دارد. (امر به معروف و نهی از منکر) بودجه هائی که در هر جامعه ای صرف نگهداری، نگهبانی، تغذیه، بهداشت، پوشاک و... مجرمین در زندانها و ندامتگاه ها و مراکز بازپروری می شود اگر از ابتدا صرف آموزش و تربیت صحیح آنها شود، جامعه را از حیث وجود افراد مجرم و منحرف خالی و از افراد کارساز و نیروی انسانی مقصص بی نیاز می سازد پس می توان گفت افراد مجرم زندانها از ناآگاهترین مردم هستند که از امکان آموزش و خصوصا پرورش و تربیت صحیح محروم بوده اند.

هر مدرسه ای که گشوده شود زندانی بسته می شود.

بسمه تعالی

در مورد شناخت جرم یا انحرافات و علل بوجود آورنده آن و همچنین راههای پیشگیری و یا درمان آن نظرات و دیدگاه های مختلفی از سوی صاحب نظران و کارشناسان مطرح گردیده اما بدلیل آنکه عوامل اجتماعی انحرافات، ترکیب و پیچیدگی های زیادی دارند نمی توان آنها را تنها از یک دیدگاه بررسی کرد بلکه می بایست بصورت عمقی مورد توجه و بررسی قرار داده و سعی

کرد علل گوناگونی که باعث ارتکاب اینگونه اعمال می شوند را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و راه حلی درست برای جلوگیری از تکرار آنها ارائه نمود.

جرم و جنایت و انحرافات مانند سایر بیماریها نسبی بوده و تابع زمان و مکان است مثلا سقط جنین در برخی جوامع جرم است در صورتی که در کشوری مانند هند نه تنها جرم نبوده بلکه به آنها جایزه هم می دهند و یا ازاله بکارت پس از سن بلوغ قانونی در جوامع غربی در عصر حاضر جرم محسوب نمی شود در صورتی که یک قرن پیش در آن جوامع جرم بوده است.

اغلب انحرافات اجتماعی چون اعتیاد، الکلیسم، همجنس بازی، فحشاء، دزدی، تجاوز و ... سرایت اجتماعی دارند بهمین دلیل جامعه باید بفکر شناخت علل آن بوده و راه درمان آنها را پیدا نماید و اگر علل آنها روانی باشد باز هم ناشی از وضع نابسامان جامعه بوده و همانطور که بیماران جسمی در جامعه نیاز به مراقبت و درمان دارند بیماران روانی نیز نیاز به مراقبت و درمانهای روانی و اجتماعی دارند.

اما قبل از شناسائی یا علت یابی رفتارهای انحرافی و عوامل پیشگیری آن به برخی از اصطلاحات و مفاهیم اینگونه اعمال اشاره می شود.

مفهوم هنجارهای اجتماعی یکی از مفاهیمی است که باید در جامعه مشخص و روشن باشد. هنجاری اجتماعی است که تعیین می کند انسان چه باید بگوید و از گفتن چه چیزهایی باید اجتناب کند. باید چگونه بیاندهد و چگونه رفتار کند و چه اعمالی را انجام دهد و از انجام چه اعمالی باید اجتناب ورزد، چگونگی رفتارها و روابط اجتماعی را معین می کند و کنشهای تقریبا یکسان و لایتغیر انسانی را مشخص می کند و محدودیتهای نیز در زمینه رفتار انسانها بوجود می آورد و بطور خلاصه رفتارهای خلاف هنجارها را نابهنجاری، و فرد مرتکب آن را مجرم می نامند.

مفهوم جرم و بزه و خلاف نیز از جمله مفاهیمی است که در رابطه با اعمال انحرافی مطرح و علت یابی می شود. خلاف در اصطلاح حقوقی به اعمالی گویند که مقررات و قوانین کشور آنرا منع نموده و خلافکار سزاوار تنبیه و سرزنش می باشد و حال آنکه بزهکار یا مجرم کسی است که مرتکب عملی می شود که بر طبق قانون برای آن مجازات تعیین گردیده است لیکن در اصطلاح آسیب شناسی اجتماعی و روانشناسی جنائی معمولا افراد خلافکار و مجرم را در یک ردیف نام می برند اما بیم آن می رود که خلاف، عواقب وخیمی در برداشته و احتمال بزهکاری در پیش باشد.

فرد خلافکار دچار یک نوع ناراحتی و فشار درونی است که می توان بوسیله بر بیان ریشه یابی و جلوگیری نمود و بزهکار یک نوع خلاف شدیدتر است که طبق قانون، مجاز است برای آن تعیین گردیده است مانند: دزدی، تخریب، مجروح و زخمی کردن و آزار مردم، اعمال جنسی نامشروع و منافی عفت و عصمت، قتل و امثال آنها یا عبارت دیگر بزه سرکشی فرد است در برابر اراده اجتماع که بوسیله مقررات و قانون تعبیر گردیده است.

همانطور که اشاره شد در شناخت عوامل جرم و نوع آن و با توجه به شرایط زمانی و مکانی در جوامع مختلف متفاوت می باشد، بعنوان مثال در برخی از جوامع برخی از اعمال و رفتارها جرم تلقی شده و در برخی دیگر جرم تلفی نمی شود همچنین ممکن است اعمالی در مقطع و زمانی انحراف و زمان و مقطع دیگر عادی بنظر برسد یا از لحاظ کم و کیف و نوع برخورد با آن در هر جامعه قوانین بخصوصی حاکم باشد مانند بی حجابی که زمانی از لحاظ قانون نامشروع و دارای یک دید انحرافی و زمانی دیگر مشروع به حساب آید.

عوامل متعددی در ایجاد انحرافات نقش دارند که شناسائی آنها و تحلیل و بررسی صحیح آنها ما را در راهیابی به پیشگیری یا عدم رشد آن در جامعه کمک زیادی خواهند نمود که سعی خواهیم

کرد آنها را بصورت اجمال شرح دهیم. ما در این بررسی دسته بندیهای زیر را مورد توجه قرار خواهیم داد: عوامل زیستی، عوامل روانی عاطفی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی و عوامل فرهنگی.

عوامل موثر در ایجاد انحراف:

عوامل زیستی یا اثر وراثت در انحراف:

یکی از عوامل و شرایط زمینه ساز انحرافات و جرم را اثر وراثت یا حالات جسمانی و نفسانی پدر و مادر و اثر انتقال آن به فرزند دانسته اند بسیاری از دانشمندان از جمله ریبو و فری معتقدند بسیاری از ابتلاآت و بیماری والدین مثل اعتیاد، اختلالات روانی روی نطفه ها و ژنها اثر می گذارند و عده دیگر عامل کروموزوم اضافی را در انحراف موثر می دانند و عده ای دیگر چون لومبروزو، سیمای افراد را در شکل گیری جرم موثر می دانند.

برخی نقائص جسمانی و همچنین زشتی و زیبائی افراد، وضع مزاج و بیماری، طرز کار غدد و اختلالات آن و عوارض جسمانی را علتی برای زمینه های پیدایش جرم می دانند هر چند جرم شناسان به این نتیجه رسیده اند که وراثت علت جرم نمی باشد اما اغلب نظرات به اینجا منتهی شده که بین جسم و روان رابطه ای است و برخی از صفات جسمی موجب پیدایش روحیه ها و استعدادهایی در زمینه جرم و انحراف میگردد. از دیدگاه اسلام نیز هرچند نظریه های جنایتکار بالفطره بودن را نمی پذیرد اما صفات ارثی و تفکرات و حالات ارثی را قابل انتقال دانسته و صفات ارثی انحرافی را زمینه می داند نه عامل برای هر جرم و انحراف.

عوامل عضوی و نقایص جسمانی، زشتی و زیبائی هم می تواند بدلیل نوع دید خود یا اجتماع از ایشان از جنبه حقارت یا شرافت به ایشان نگریسته می شود موجب زمینه های انحراف شود وضع مزاج و بیماریهای جسمانی و اختلالات در ترشح غدد می تواند نیز می تواند از عوامل باشد که

تبادل روانی را برهم زده و موجب بروز حالات نامناسب از جمله اختلالات عصبی، بلوغ زودرس یا بلوغ دیررس یا خستگی مفرط و بیخوابی و ... شود که این مسائل و مشکلات ممکن است زمینه ساز انحرافات خشونت و جنایت شود.

با توجه به عوامل زیستی و وراثتی روحی و جسمی نقشهای آن در ایجاد زمینه های انحرافی چند اقدام برای پیشگیری یا حداقل کردن میزان آن ضروری بنظر می رسد:

۱- تاثیر عملکرد به موقع دستگاههای بهداشتی و درمانی کشور، چون اثرات وراثتی از طریق زوج به فرزند منتقل می شود لذا هر یک از زوجین می بایست موظف شوند قبل از شروع زندگی و یا قبل از بچه دار شدن نسبت به پاکسازی حالات و تفکرات روحی و همچنین سالم سازی وضعیت جسمانی تا جایی که توانائی دارند اقدام نموده و در صورت نداشتن حالات روانی و وضعیت جسمی سالم به طریق مقتضی و کارشناسی شده نسبت به ایجاد نسل اقدام کنند.

۲- بالا بردن سطح آگاهی زوجین و اجتماع از طریق تبلیغاتهای مفید و مختلف بصورت ایجاد مراکز فرهنگی و مشاوره ای اجباری

۳- اقدام مناسب مراکز تحقیقی و درمانی مطابق با سطوح جهانی در جهت

پیشگیری یا درمان زوجین قبل از تفکر بچه دار شدن

۴- بالا بردن سطح آگاهی جامعه نسبت به برخورد صحیح با نقائص جسمی و روحی

افراد و درک مناسب مسائل و مشکلات ایشان.

که البته رسانه های جمعی نقش به سزائی در اینگونه موارد می توانند ایفاء نمایند.

علل روانی، عاطفی:

یکی دیگر از عوامل زمینه ساز انحرافات در جامعه را می توان عوامل عاطفی و روانی نام برد که فرد در اثر عوامل و شرایط نامناسب دچار حالات و اختلالات ضد و نقیضی می گردد و تعادل فکری و روحی خود را از دست داده و برای بدست آوردن آرامش دست به هر کاری هر چند انحرافی میزند علل روانی-عاطفی را از چند جنبه می توان مورد بررسی قرار داد که از آن جمله: ۱- جنبه ای فطری و سرشتی انحراف و جنبه های ارثی ۲- اختلالات ذهنی - هوشی ۳- اختلالات روانی- شخصیتی.

جنبه های فطری و سرشتی و جنبه های ارثی قبلا اشاره شد اما اختلالات ذهنی و هوشی، نارسائی عقلی و کند ذهنی و جهل و نادانی را زمینه ساز انحراف مصرفی کرده اند و همچنین اختلالات روانی و شخصیتی را شامل جنونهای رفتاری و اختلالات عصبی و ضعف اراده دانسته اند.

بسیاری از انحرافات و کج رویها در رابطه با جنبه های عاطفی افراد نیز قابل بررسی و تحلیلند که در این رابطه می توان از عواملی چون ترس، خشم، اضطراب، محرومیت، شکست و ... نام برد. تمامی جوامع با اینگونه اختلالات روانی و عاطفی روبرو هستند و شاید به جرات بتوان گفت که اینها منشاء اکثر انحرافات و جرمها هستند که در پیدایش آنها عوامل متعددی می توانند نقش داشته باشند که به مواردی اشاره می شود:

۱- گاهی ناشی از نقص در کارکرد اعضاء بوده و زمانی ناشی از وجود عیب در اعضاء بدن می باشد

۲- گاهی ارثی است مانند پاره ای از صرعها

۳- زمانی محیطی است مثل جنون ناشی از سفلیس

۴- تجارب نیکیابد در برخورد با دیگران

۵- وجود عقده ها و ارضاء نشدن خواسته ها

۶- احساس گناه و فشار ناشی از عذاب فکری یا همان عذاب وجدان ۷- احساس

حقارت و عدم شخصیت بسیاری از جامعه شناسان و حتی جرم شناسان ریشه تمام

آسیب های اجتماعی در محیط اجتماعی جستجو می کنند که از آن جمله اند:

خانواده - مدرسه - اجتماع و ...

۷- چند مورد از راه حل های پیشگیرانه از اختلالات روانی و عاطفی در جامعه که

ضروری بنظر می رسد.

۱- ایجاد مراکز تحقیقاتی و علمی روانشناسی و روانکاوی برای شناسایی و ریشه یابی

اینگونه اختلالات در افراد و شروع درمان در ایام کودکی و پیشگیریهای آن و بها دادن

به اینگونه مراکز

۲- خانواده و بخصوص پدر و مادر و مدرسه اولین نقشهای موثر در سلامت روحی

و عاطفی را دارند که باید در جامعه مورد توجه قرار گیرند.

۳- نقش موثر معلمان علوم تربیتی و ترویج اخلاق و صفات حسنه و منع صفات غیر

اخلاقی که می تواند از طریق بهینه سازی متون کتب دینی توسط آموزش و پرورش

صورت پذیرد.

۴- اجتماع و مسئولان حکومتی ملزم به برپایی حق و حقوق عادلانه در تمامی سطوح

و دفاع از حقوق شخصیتی و عاطفی ایشان باشد.

۵- تبلیغات و اطلاع رسانی از وضعیتهای روحی و عاطفی افراد و شکل صحیح برخورد

با آنها بصورت فیلم و برنامه های جاذبه دار و جلوگیری از ترویج فرهنگها و علوم

مخرب که تشدید کننده اینگونه اختلالات هستند.

علل و عوامل فرهنگی:

کار فرهنگ تعیین و تنظیم قواعد و آداب و رسوم جامعه است و می تواند از عوامل کنترل کننده بحساب آید که همه شئون زندگی انسانها را زیر نظر می گیرد، برخی از مردم شناسان معتقدند که کجروی و انحراف حاصل تضادهای فرهنگی و معرف پرورش یافته فرهنگ جامعه خویش است و پای بند به فرهنگ جامعه است که او را کجرو بار آورده است.

از عوامل که در ایجاد و یا دامن زدن به انحراف موثرند ظهور فلسفه ها و ایدئولوژیهای جدید است هر چند شاید در برخی از جهات نظریه هایی پربار داشته باشند اما کثرت و تفاوت و گرایشات ضد و نقیضی را در جامعه موجب می شوند که موافق طبیعت و فطرت انسان نمی باشند که تعال روحی را از میان برداشته و برای آدمی خطر آفرین است

اخلاق و آداب و رسوم و طرز فکرهای ناشی از آن همچون خشونت (در بین نازیها) تزلزل بعانی آن آمیختگی آن با افسانه ها و خرافات، تعصبات، کینه ها و نوع ارزشهای اخلاقی و میزان پای بندی مردم به آن در دامن زدن به انحراف موثرند.

بین فرهنگ و مذهب و جریانات جامعه خود و ساخته و پرداخته بودن مذاهب به دست بشر، خود از جمله عوامل زمینه ساز خرافات بوده و نقش اخلاقی مذاهب در تصفیه روح و روان و افکار جامعه موثر است (نازیسم در آلمان صهیونیسم در بین یهودیان، گرایش سنی و شیعه و اسلام و ...)

ادبیات و هنر: متون، اشعار، ضرب المثله استعارات کنایات و سبکها و ... گاهی خشونت را ترویج می کنند و زمانی عطوفت را و زمانی سازنده و پر بار هستند و گاهی منحرف

کنند و بی محتوا لذا می توانند در ترویج و تبلیغ انحراف و یا موثر در پیشگیری از آن باشند.

دگرگونی سریع فرهنگی:

تغییرات ناگهانی و سریع یک فرهنگ موجب می شود فرهنگ قدیم و فرهنگ جدید بصورت متضاد در اذنان مردم جلوه گر شده و عدم توانایی در تطبیق با فرهنگ جدید فرد را به انحراف و یا بی بند و باری کشانده و از فرصتها استفاده نادرست می کنند.

آدمی شدیداً تحت تاثیر فرهنگ است و عقب ماندگی فکری و فرهنگ و ضعف در برابر فرهنگهای بیگانه علت العلل همه انحرافات و ضایعات است. در بررسی علل انحراف فرهنگی هیچ تئوری به اندازه تئوری عقب ماندگی فرهنگی سبب کجروی و انحراف شناخته نشده است. طرفداران تئوری عقب ماندگی می گویند که برخی انسانها ناگزیر به انحراف و اختلالند از آن بابت که خود را در کام افکار و اندیشه متضاد و متناقض می دانند و رفتاری اندیشیده و ضابطه ای نیست که آنها را تحت کنترل درآورد و وابستگی آنها به فرهنگ خاص سبب پیدایش اختلال است و مادام که آن فرهنگ شناخته نشود امکان تصمیم گیری برای اصلاح نخواهد بود.

تربیت: تربیت نیز در سطوح مختلف خانواده، آموزش و پرورش و اجتماعات مختلف در ایجاد یا پیشگیری از انحرافات تاثیر بسزائی دارد. محتوا و روش تعلیم و تربیت، کیفیت اتحانات شیوه سازندگی ها و بازسازی ها همه و همه در این امر موثرند.

علوم و افکار: علوم و افکار را باید دید در یک جامعه چه هدف و مقصدی را تعقیب می کنند. آیا علوم تعهدی دارند یا در خدمت جنگها، ویرانی ها نقشه های استعماری و استثمار است، آیا علوم در خدمت صلح و امنیت هستند یا انحرافات و این افکار هستند

که علوم را می سازند و این افکار هستند ه علوم را بوجود می آورند پس کار ریشه ای بر روی افکار بکر و سالم جهت دستیابی به علوم سالم و استفاده سالم و بهینه از آنها راه حل مهم و منطقی پیش گیری از انحرافات از طریق علوم و افکار است.

وسایل ارتباط جمعی: بعقیده مربیان، روانکاوان و روانپزشکان رهبری فکری جامعه را وسایل ارتباط جمعی در دست دارند و اثرات انکار ناپذیری در رفتار مردم بویژه کودکان و نوجوانان و مخصوصاً در آنچه که مربوط به جنبه های جنائی و شهوانی است دارند. نمایش اعمال خشونت آمیز، صحنه های هیجان انگیز، سکسی، صحنه های پرخاشگرانه و تند خویانه موجب سخت دلی، بیرحمی، آدم کشی و شرارت و ... افراد را بصورت ناخودآگاه فراهم می آورد

عوامل اجتماعی

بسیاری از جامعه شناسان و حتی جرم شناسان ریشه تمام آسیب های اجتماعی را در محیط اجتماعی جستجو می کنند. دورکیم انحراف را از ویژگیهای جامعه می داند که از متن و عمق آن می جوشد، وی می گوید در همه جوامع افرادی هستند که از هنجارهای جامعه سرپیچی کنند و جامعه شناسان و جرم شناسانی از قبیل ساترلند و سلین، نقش محیط اجتماعی را در انحراف تایید می کنند و در کل انحراف را معلول عجز منحرف در تطبیق خود با شرایط و مقتضیات حیات اجتماعی می دانند هر چند عوامل اجتماعی زمینه موثر را برای ایجاد انحرافات یا جرمها ایجاد می کنند ولی تنها عوامل نبوده و عوامل دیگری چون اراده فردی نیز دخیل می باشند، ما در امور مربوط به اجتماع از چهار دسته باید یاد کنیم که عبارتند از خانواده مدرسه اجتماع و عوامل دیگر.

خانواده :

دامنه تاثیر خانواده بحدی است که حتی روانشناسان از شیر گرفتن نابهنگام کودک و یا سوء تغذیه او را در انحرافش موثر می دانند. عواملی از قبیل شرایط خانوادگی، از هم پاشیدگی فقر و ثروت روابط اعضاء وضع تربیتی و ارشهای مورد قبول شرایط عاطفی، با وضع اقتصادی، توافق و مهر، خشونت و سختگیری امنیت و ثبات آن در همه و همه در انحرافات و عوامل پدید آورنده آن موثرند که ذیلا به مواردی از آنها اشاره می کنیم.

۱- اهمیت سالهای اولیه زندگی

نوع تشویق ها تبیه ها تخریها بی اعتنایی ها و نوع رفتارها در مراحل اولیه زندگی فرد آثاری برای دوره های بعدی در او بجای می گذارند و همچنین توجه والدین و سطح گاهی ایشان، آموزشهای ضروری و نوع آن تجارب خوب یا بد مکتب از محیط خانواده است.

۳- کمبودهای عاطفی:

روابط نادرست والدین با کودک در جنبه مهر روزی، ضعف احساس تعلق بین اعضای خانواده، ضعف در آزادی که افراطش سبب پر توقعی و اندکیش سبب احساس محرومیت است، عدم احساس حمایت و امنیت و مقبولیت در نزد والدین سختگیریهای افراطی والدین در اجرای انضباط، کمبود اقتدار پدر، تولد کودکی جدید و بی توجهی والدین به کودک، واداشتن طفل به احساس گناه و ... از جمله موارد در زمینه ساز انحراف است.

۴- دیگر مسائل خانواده از قبیل

شرایط زندگی، مرگ یا ازدواج مجدد والدین، سختگیری در امور اقتصادی طرد کودک از خانواده محل سکونت نامناسب انحراف و لغزش پدر یا مادر در جنبه اخلاقی نا مشروعیت

فرزند که خود سبب احساس خواری می شود عدم رسیدگی به فرزندان در تغذیه بهداشت آموزش و پرورش بعثت کثرت فرزندان از موارد دیگر زمینه ساز انحرافات است.

مدرسه:

چه بسیارند خانواده هایی که فرزندان خود را بر اساس شرایط مناسبی تربیت می کنند ولی طفل پس از ورود به عرصه مدرسه یا اجتماع دچار انحرافات و لغزشهایی می شود. عوامل بسیاری در این زمینه قابل ذکر است که ذیلاً به مواردی از آن اشاره می شود.

۱- عوامل مدرسه این انحراف:

۲- اختلافات خانوادگی

نزاع و درگیری زن و شوهر در حضور فرزندان تضادهای فکری و عقیدتی اعضاء خانواده، وجود مسائلی چون متارکه جدائی و طلاق، لاقیدههای والدین نسبت به زندگی و فرزندان و کیفیت روابط زوجین از عوامل موثر زمینه ساز در انحرافات کودکان و جامعه است.

۳- کمبودهای عاطفی:

روابط نادرست والدین با کودک در جنبه مهر ورزی ضعف احساس تعلق بین اعضای خانواده ضعف در آزادی که افراطش سبب پرتوقعی و اندکس سبب احساس حمایت و امنیت و مقبولیت در نزد والدین سختگیریهای افراطی والدین در اجرای انضباط، کمبود اقتدار پدر، تولد کودکی جدید و بی توجهی والدین به کودک، واداشتن طفل به احساس گناه و ... از جمله موارد زمینه ساز انحراف است.

۴- دیگر مسائل خانواده از قبیل:

شرایط زندگی، مرگ یا ازدواج مجدد والدین، سختگیری در امور اقتصادی طرد کودک از خانواده محل سکونت نامناسب، انحراف و لغزش پدر یا مادر در جنبه اخلاقی، نامشروعیت

فرزند در تغذیه بهداشت آموزش و پرورش بعثت کثرت فرزندان از موارد دیگر انحرافات است.

مدرسه:

چه بسیارند خانواده هایی که فرزندان خود را بر اساس شرایط مناسبی تربیت می کنند. ولی طفل پس از ورود به عرصه مدرسه یا اجتماع دچار انحرافات و لغزشهایی می شود. عوامل بسیاری در این زمینه قابل ذکر است که ذیلاً به مواردی از آن اشاره می شود.

۱- عوامل مدرسه ای انحراف:

اهداف و مقاصد مدرسه و اصولاً دستگاه آموزش و پرورش، روش تربیتی که توسط مدیر و ناظم و معلم اعمال می شود، محتوای کتب درسی و لوازم بصورت رسمی و غیر رسمی، میزان تکالیف درسی و کیفیت عرضه آن، جنبه رفتاری و اخلاقی و الگویی معلم و مربی، سلامت یا انحراف مسئولان که گاهی ممکن است سبب ایجاد معذّه ای در کودک شود، کنترل‌های انضباطی و غیر قابل تحمل که حتی ممکن است سبب فرار گردد، جنبه های عاطفی و محبت سستی روابط، خشم و قهر و غیره ناراحتی های اخلاقی یا عاطفی و محرومیت های دیگر دانش آموزان که در همکلاسیهایشان اثر دارد، تنوع فرهنگ ها که از خانواده ها نشات گرفته و در مدرسه شایع می شود و مسائلی دیگر چون زودباوری ایرادگیری ها، اذیت کردنها و ... موجب انحراف می شود.

۲- گروه همسالان:

در مدرسه وجود گروه همسالان که معاشرند ولی ممکن است همسن و همکلاس نباشد در تشکیل رفتار و ایجاد خلق و خوئی خاص در فر موثر است و زمینه ساز انحراف یا

تداوم سلامت است. جرگه اجتماعی در سه مرحله ممکن است بیش از والدین در رفتار فرد تاثیر داشته باشد:

- در مورد کوچ خانواده از منطقه ای و ورود به منطقه جدید
- در سنین بلوغ و نوجوانی که مسائلی حاصل و از نظر آنها شرم آور، بر ایشان مطرح شده و آنها برای اسرار و رازهایشان و همچنین رفع نیازها، احساس همانندی با هم دارند.
- در مواردی که خانواده دچار نابسامانی است و تعارض نقشهای و وجد تضاد در رفتار، خود عامل برای ایجاد انحراف است نقش روابط سنین بالا با خرد سالان نیز تاثیر بسزائی در ایجاد انحراف دارد که در این رابطه می بایست مراقبت خاصی در معاشرت های اینچنینی اعمال شود.

۳- نوع انحراف مدرسه ای:

مسائل جنسی کودکان دزدی خودبازی، حرکات زشت، حرفهای نادرست، دروغ، تخلف، فرار، مزاحمت، پرخاشگری، باندبازی، کف زنی، آزار و اذیت، تخریب و انهدام، نافرمانی و گستاخی، زبان درازی، قطع کلام، سخن چینی، مورد سوء استفاده قرار گرفتن و ...

اجتماع و مردم:

شیوه های قومی، رسوم اخلاقی، رفتار مورد پسند جامعه و عدم تطابق با آن که خود مساله ساز است، از آن جهت که گاهی در رابطه با آن توافق است زمانی عصیان و مخالفت و تعارض. به عبارت دیگر افراد برای پذیرفته شدن در اجتماع سعی دارند رفتار خود را به گونه ای درآورند که اجتماع از آنان توقع دارد که این مساله می تواند زمینه ساز انحرافات بعدی باشد.

وقایع اجتماعی و نقش مسائل اجتماعی در رفتارهای انحرافی تاثیر فوق العاده ای دارد. تراکم جمعیت، محل زندگی و نوع آن، عدم مراقبتهای بهداشتی و رعایت آنها، مشکلات آموزش در جامعه، مساله ترافیک توسعه وسیله تحرک، اختلالات روانی، تعارضات اخلاقی، جنگ و بحران وجود تبعیض ها کندی امور اداری در ارتباط با مردم وجود مهاجرتاه که اغلب بدون حساب بوده و می تواند سبب احساس گمنامی در بین جو جدید محل سکونت باشد. فساد و آلودگی محیط و ... هر کدام به نحوی در این امر موثرند و زمینه را برای انحراف و یا تن دادن به اغلب مسائل انحرافی آماده می نمایند.

از عوامل دیگر اجماعی می توان به:

اختلافات طبقاتی و تضادهای حاکم بین آنها، درگیریها و امتیازات معین برای عده یا طبقه خاصی اشاره کرد که موجب بروز برخی از انحرافات ترورها قتل و غارتها تخریبها کارشکنی ها گروه و باند بازیها می شوند همچنین نابسامانیهای اجتماعی از جمله روشن نبودن مقاصد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نبودن قاعده و ضابطه ای روشن که می بایست از آن تبعیت شود این حالت باعث می شود که برخی افراد از موقعیت سوء استفاده کنند و در نتیجه سوء تربیت سوء ارشاد، بی نظمی در دستگاههای اجرائی ضعف کنترل و فشار اجتماعی حاصل شود.

وجود کانونهای انحراف در جامعه مانند میخانه ها قمارخانه ها و میخانه ها عشرتکده ها و تماشاخانه ها و یا سینماها مراکز رقص نیز از عوامل عمده زمینه ساز برابر جرم و انحراف هستند که البته از دیدگاه اسلام اعتقاد بر امنیت که هر چند عوامل اینچنین در انحرافات فردی موثر هستند اما قصد و اراده و خواست آگاهانه خود فرد نیز باید در نظر گرفته شود بصورتی که حضور فرد در چنین محیطهای محض شده ومهاجرت و ایجاد اجتماعات پاک را توصیه می کند.

مهاجرت و گرایش به شهر نشینی روستائیان را نیز می توان از عوامل ازدیاد جرم و انحراف نام برد زیرا مهاجرت به شهرها مشکلاتی چون عدم تطبیق با قوانین و مقررات حاکم بر شهرها عدم سازگاری با شرایط زندگی شهری و مهمتر از آن فرهنگ حاکم بر شهرنشینی و ... را در پی دارد و مهاجران به دلیل عدم آگاهی به مسائل فوق به سرعت در دام عوامل مخرب اجتماعی گرفتار شده و مرتکب جرائم مختلف می شوند.

عوامل اقتصادی انحراف:

فشارهای اقتصادی موجب پیدایش تجاوزات، اعتیاد، تن دادن به انحرافات مختلف حتی پذیرش کفر و شرک خواهد شد. همچنین گسترش بیکاری، کاهش میزان درآمد، افزایش تورم، ایجاد مشاغل کاذب، بحرانهای شدید اقتصادی که زمینه ساز رشوه گیری، اختلاس، خودکشی، ناسازگاری خانوادگی، از هم پاشیدگی کانون خانواده و بی اعتنایی به قوانین و مقررات می شود، توزیع نادرست ثروت، اسراف، ریخت و پاش در مخارج ادارات، ثروت های زیاد در خانواده های ثروتمند و فقر و تنگدستی شدید در خانواده ها و طبقات پایین جامعه، فقر اندیشه و نوع تفکر اقتصادی به زندگی و ... باعث بوجود آمدن بسیاری از تخلفات و انحرافات هستند نوع شغل، عدم رضایت مندی شغلی، نا امنی در کسب و کار فقدان زمینه مناسب برای رشد و پیشرفت شغلی، تهدیدهای شغلی و بالطبع بیکاری موجب احساس ناامنی شغلی و در پی آن تضعیف روحیه، دزدی، تجاوز، کلاهبرداری بوجود می آید.

لازم به ذکر است توجه خاص به ارزشهای معنوی و اخلاقی و گرایش بسوی دین و مذهب و داشتن ایمان و اعتقاد به خداوند و معاد، خود عامل مهمی در پیشگیری از اغلب انحرافات اجتماعی است لذا در جوامعی که به ارزشهای مادی توجه شده و به امور معنوی و اخلاقی بی توجهی شود و ارزش انسان به میزان ثروت و دارائی او باشد نه به میزان آگاهی و علم و ایمانش،

طبیعی است هر کس برای کسب موقعیت اجتماعی به هر طریقی شده حتی از راه نامشروع درصدد کسب پول بیشتر می افتد و بعید نیست بخاطر بدست آوردن پول بیشتر مرتکب جرایمی چون قتل نیز بشود تا موقعیت اجتماعی خود را تثبیت کند.

عوامل سیاسی انحراف:

اغلب کسانی که منحرف شمرده می شوند از کسانی هستند که قواعد و مقررات را نقض کرده و آنها را زیر پا گذاشته و یا ندیده می گیرند. عده ای از جریم شناسان ریشه گسترش جرم را در قوانین حقوقی، مقررات اجتماعی و ضوابط و قواعد آن جامعه می دانند ضمن اینکه عواملی چون تربیت و ... را هم ذکر می کنند.

مردم در برابر قوانین دو دسته اند: دسته ای که آنرا تحمل می کنند و به آن احترام می گذارند دسته ای هم آن را طرد و از سر تخلف و عصیان با آن بر خورد می کنند. گاهی جامعه ای گرفتار آشفتگی سیاسیو هرج و مرج یا گرفتار جنگ و یا بحران می شود که موجب گرانی، احتکار، اختلاس سقوط اخلاقی، هرج و مرج اجتماعی، شیوع فقر و توسعه بیکاری می شود.

محدودیتها و سختگیریهای قوانین به جای راهکارهای صحیح و فشارهای اداری، تورم اداری، پوزوگراسی، هرج و مرج شناسی تغییرات مکرر قوانین، عدم تامین در برابر قانون و عدم تساوی در برابر آن عدم امکان کنترل قانونی، وضع قوانین ناقص، اعمال فشارهای تحمیلی قوانین، وجود قدرت بیحساب، وجود اتهامات و طردها کیفیت دستگیری و محاکمه، تضادهای سیاسی و خط فکری، نظام تک حزبی و وجود ایدئولوژی خاص، صف آرائی دسته یا جزئی علیه دسته یا حزب دیگر که خود برانگیزاننده مقاومت بوده و از دید دسته و حزب حاکم، انحراف شمرده می شود و بسیاری مسائل و موارد دیگر زمینه ساز بوجود آمدن انحرافات و تخلفات هستند.

تدابیر پیشگیرانه در خصوص جرم و انحراف:

انحراف در جامعه حکایت از بیماری آن جامع دارد و در جامعه بیمار، زندگی سالم بسی دشوار خواهد بود، ما برای زندگی سالم نیاز به جامعه سالم داریم لذا تصور ما از افرادی که در جامعه، انحرافات را پدید می آورند امنیت که بیماران و قابل درمان، و بر طبق تدابیری خاص می توان آنها را مهار کرده و جامعه را از خطر وجودشان در امان نگه داشت.

جواب این سوال که امکان پیشگیری یا درمان وجود دارد یا خیر، هم از نظر علم و هم از نظر مذهب مثبت است. مراحل بوجود آمدن انحراف را می توان بصورت بذری تصور کرد که در محیط مساعد یا نامساعد کاشته می شود و اگر زمینه برابر رشد و نمو آن فراهم گردد سر از خاک درآورده و جوانه می زند سپس بزرگ شده و میوه و ثمر می دهد که استفاده و بهره از آن جان و دل و افکار جامعه را تباه و ویران خواهد ساخت لذا اقدامات پیشگیرانه عبارتند از اینکه زمینه های مساعد برای رشد و نمو و جوانه زدن این بذر فراهم نگردد و بدین ترتیب میوه و ثمره ای از انحراف حاصل نشود و این از عمده ترین اهداف است که در آسیب شناسی مطرح است. در بحث های گذشته بر عوامل و زمینه های ایجاد انحراف و جرم ساز اشاره شد و اما در رابطه با اقدامات موثر و پیشگیرانه در خصوص کاهش و یا جلوگیری از وقوع جرم و انحراف توجه به مواردی ضروری بنظر میرسد. که ذیلا به آنها اشاره می گردد.

اقدامات پیشگیرانه در جنبه فرهنگی:

- عرضه و ارائه یک فلسفه صحیح برابر زندگی و سعی در تثبیت و جا انداختن آن در جامعه

- هدفدار کردن دانش و علم بگونه ای که افراد آنرا بعنوان وسیله ای در طریق طی مسیر الهی و سالم و موفق تلقی کنند.

- هدایت افکار و اندیشه ها در مسیر پیگیری اهداف عالی حیات انسانی چون گذشت ایثار، خدمت، فداکاری، مردم داری، صبر، قناعت و ...

- طرد افکار و فلسفه هایی که بنحوی زمینه را برای استعباد فکری و استثمار و بی ارزش انسان فراهم می آورند.

- عرضه و ارائه ادبیات ضرب المثلی استعارات و کنایات متن و شعر و ... که هدف بیدار کردن و رشد اندیشه و حرکت به سوی حیاتی شرافتمندانه باشد و از آن جمله حساسیت در تنظیم کتب درس که مورد استفاده کودکان ونوجوانان و جوانان قرار می گیرد.

- گزینش و حساسیت در انتخاب معلمین و اساتیدی که می بایست در خدمت سازندگی فکری مدارس و دانشگاهها باشند.

- کنترل و ارزیابی و پاکسازی آداب و رسوم، شعائر، مناسک، سنن و عرف در جامعه و همدفدار کردن آنها

- معنی دار کردن هنر و جهت دادن انسانها به گرایش بسوی هنری که احیاء کننده و سازنده است.

- استخدام ابداعات و اختراعات در طریق رشد و سازندگی انسان به در جهت ویران کردن او برابر وصول به این مقاصد ضروری است که واردات فکری و فرهنگی جامعه تحت ضابطه و کنترل باشد، هنجارهای اخلاقی و اجتماعی و کیفیت عمل و رعایت آن مورد توجه قرار گیرد، سطح آگاهی مردم به حدی برسد که بکوشند منطق و تعقل را پیشه خود سازند لذا با سواد کردن و بالا بردن سطح سواد در جامعه گامی مهم در این رابطه است. در پذیرش تجدد یا مدرنیسم باید پیشگام بود و این امر در سایه

ارزیابی قبلی و با تشخیص جنبه ارجحیت نفع آن بر زیان آن مسیر است جهت دادن مردم به حیاتی مبتنی بر ضوابط مذهبی الهی و آسمانی و رنگ دادن به ایدئولوژی و جانبینی بر آن اسانس و دور نگه داشتن مردم از آلودگی انحرافات و بالعکس که همگی را می توان در جهت پیشگیری از انحرافات و جرائم موثر دانست.

اقدامات پیشگیرانه در جنبه اجتماعی

در زمینه اجتماعی مسائل بسیاری جای بحث دارد که هر یک در پیشگیری از پیدایش انحراف موثر هستند فلذا برای بیان همه جانبه آن ناگزیر به بیان ضوابط و قواعد ضروری برای داشتن یک جامعه سالم می باشیم که ذیلا عنوان می گردد.

الف) خانواده:

برای اینکه زمینه پدید آمدن انحراف مهیا نگردد و یا از بین برود ضروری است در کانون خانواده توجه خاص به اقدامات زیر معمول گردد.

خانواده از اهمیت و قداست خاصی برخوردار شده و حفظ شود

امنیت خانواده در زمینه های مختلف از هر حیث تضمین گردد.

-نابسامانیهای درون خانواده مثل اختلافات، بگومگوها و ... از خانواده رخت بریندد

-تربیت کودکان را خود والدین و بویژه مادران عهده دار باشند.

حمایت فرزندان هر چه بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

-حقوق متقابل بین اعضای خانواده رعایت شود.

-تشکیل خانواده مورد تشویق قرار گیرد.

-ابعاد معنوی و اخلاقی خانواده مورد توجه قرارگیرد.

نقش پدر بعنوان مدیر خانواده و فردی مقتدر در برنامه ریزی و سیاستگذاری خانواده حفظ شود.

نقش مادر بعنوان محور تقسیم محبت و تربیت و شخصیتی مقدس حفظ شود.

اختصاص اوقات بیشتر برای حضور والدین در خانواده

خانواده باید مرکزیت آموزش و کارورزی در زمینه روابط، معاشرت و کیفیت حیات باشد.

ب) اجتماع و مردم:

در این زمینه نیز اقدامات لازم است:

- توصیه همدیگر به حق و صبر و مقاومت در برابر امور و ناروائی را
- سعی در گریز از آلودگی و جهت داشتن به سوی پاکی ها و انس ها و فضیلتها
- تلاش به پاک داشتن محیط از آلودگیها از طریق نظارت اجتماعی
- کنترل عوامل مزاحم و ایجاد مانع در سر راه رشد مفاسد و آلودگیها
- کنترل مراکز و اماکن فساد در جامعه اسلامی و طرد رذایل اخلاقی
- زمینه سازی برای رشد تعاون و تکامل و تعاضد اجتماعی
- پر کردن اوقات فراغت به نحوی مفید و سازنده با برنامه ریزی تفریحی و اجتماعی

برای جلوگیری از آلودگی

- همپاری و تعاون در خیر و کمک به مظلوم و مبارزده با ظالم
- طرد تفرقه ها و جدائی و مبارزه با عوامل پدید آورنده آن
- اصلاح محلات ناسالم و ویران کردن اماکن خلوت و انزوار و زاغه ها
- مراقبت در ابنوهی و تراکم جمعیت، گسترش و توسعه نظارت عمومی
- رفع و حل تضادها و تعارض ها و بحرانها

ج) مدرسه و تربیت:

رکن دوم صلاح یا فساد حیات اجتماعی و خانه دوم کودک است و در این رابطه نیز

اقدامات بشرح ذیل باید مورد توجه قرار گیرد:

- دیدگاهها و نقطه نظرات در حیات و آفرینش معین و تبلیغ گردد.

- اهداف تربیت در جنبه روابط انسان و جنبه واقعیت های مشخص و اعلام گردد.

- محتوی تربیت سرشار از جوانب و مسائل اخلاقی و انسانی باشد.

- روش تربیت بویژه در جنبه سازندگی و بازسازی، مبتنی بر ضوابطی اندیشیده باشد.

- مربیان و معلمان از شرایط مناسب و ارزنده ای بهره گیرند و صلاحیتشان احراز گردد.

به احیای فطرت و تربیت وجدان، توجهی بیشتر مبذول گردد

- مدرسه فرد را برای عضویت مفید و موثر در جامعه آماده سازد.

- پرورش مذهبی و اخلاقی: سرلوحه همه اقدامات تربیتی باشد.

مدرسه کانونی برای اصلاح و هدایت و ارشاد باشد و افراد را بگونه ای بیرواند که مورد

تایید و مقبول جامعه باشد.

۳- اقدامات پیشگیرانه در جنبه سیاسی:

اهم مسائلی که در این رابطه باید مورد توجه قرار گیرد بدینقرار است:

- انسانی کردن قوانین و بعبارت بهتر الهی کردن آن.

- هماهنگی قوانین و نظامات و تلاش مسئولان اجرائی

- انطباق قوانین باجنبه های فطری و نیازهای درونی مردم در جامعه

- دادن آزادی های مشروط و مقید به افراد جامعه در چارچوب مکتب

- سازماندهی مردم بویژه نوجوانان و جوانان در قالب های مختلف

- اجرای قانون به تساوی و بصورتی عادلانه و از روی قدرت
- محاکمه و تنبیه خطا کاران برای عبرت آموزی دیگران
- جلوگیری از نفوذ استعمار و اشاعه فکر و اندیشه خلاف مکتب که گاهی زمینه را برای سقوط فراهم می کند.

- دورنگه داشتن محیط از هرج و مرج و نابسامانی و بی نظمیها که ابتکارات و اندیشه های سالم در چنان محیطی قادر به رشد هستند
- مردمی کردن کنترل و نظارت و بهره گیری از قدرت مردم در این راه جلوگیری از وقوع و ادامه بحرانهای سیاسی و کنترل کردن اثرات و عوارض عواملی چون جنگ
- استفاده از نیروهای جوان در جهت نظام، بسیج و ...

- اقدامات پیشگیرانه در جنبه اقتصادی:

- در طریق پیشگیری در این زمینه اقداماتی بشرح ذیل باید صورت پذیرد.
- ایجاد زمینه برای اشتغال که بیکاری خود عامل فساد و انحراف است.
- تامین حد متوسطی از امکانات زندگی برای همه افراد جامعه
- توزیع عادلانه مایحتاج عمومی و جلوگیری از وقوع بحرانهای اقتصادی
- تعدیل ثروت و مالکیت و حذف مالکیت های بزرگ
- آموزش کیفیت بهره مندی از اوقات فراغت بصورتی سالم و کارساز
- غلبه دادن اصول اخلاقی در اقتصاد و طرد اندیشه های تجاوز کارانه و سرکوب آن
- برکنار داشتن محیط اجتماعی از تمرکز نیرویی خاص در منطقه خاص که خطر آفرین است
- کنترل درآمدهای ناروا و نوسانات اقتصادی جامعه

- آموزش مردم در مصرف عاقلانه و صحیح تولیدات
- القاء اندیشه وسیله بودن اقتصاد و ثروت و مادیات و بیرون آوردن آن از صورت هدفی بودن.

- کنترل در درآمد (از کجا آورده ای) و در مصرف (به کجا می روی)

۵- اقدامات پیشگیرانه در روابط و محیط

روابط:

- اصل اخوت، تعاون، مشورت و همکاری گسترش یابد.
- نودوستی و انس تبلیغ شود.
- خصیصه تجاوز و تعدی محو گردد.

- رعایت ظرفیت عقلی و روانی در برخوردها مورد نظر باشد.

- سبقت جوئی از بین رفته و رقابت پدید آید.

محیط:

- باید از آلودگیها دور و برکنار شود.

- امکانات لازم برای زندگی سالم فراهم و از عوامل در آموز بدور باشد.

- فاصله طبقاتی به حداقل کاهش یافته و امکانات و تبعیضات رفخت بر بندد

- محیط فعال و پر تنوع باشد.

- خلاء های موجود در اجتماع بنحوی پر شوند

- محیطهای ناسالم سرو سامان گیرند.

- الگوهای فاسد جامعه طرد و نفی گردد.

لازم بذکر است که محیط اجتماعی در امن زدن به انحراف نقش فوق العاده ای دارد و افرادی چون «لاکسانی» محیط اجتماعی را غذایی برای پرورش روحی می دانند و تلاش مذاهب آسمانی بویژه اسلام متوجه پاکسازی آن از عوامل فساد است.

در امر پیشگیری از انحراف تنها مساله سازندگی جامعه مطرح نیست بلکه پاسداری از آن هم باید مطرح و مورد نظر باشد، اگر سازندگی بدون پاسداری در نظر گرفته شود نوعی صرف سرمایه و کاری کم دوام است لذا باید تلاشی صورت پذیرد تا از دستاوردها پاسداری بعمل آمده و نیازی به کار و تلاش مجدد نباشد.

در مجموع می توان گفت شیوه هایی که بصورت مجموعه ای باید مورد توجه و عنایت خاص قرار گیرند متعدّدند که اقل آن عبارتند از:

۱- توجه به تربیت بدین معنا که برای پیشگیری از وقوع انحراف ضروری عوامل و ابزار تربیت مورد توج قرار گیرند و خواسته ها از آن طریق القاء شوند و بدیهی است که در این مسیر خانواده و مدرسه و اجتماع باید نقش حاملهایی را ایفا کنند که هر کدام بنحوی در افراد اثر گذارند.

دستگاههای تربیتی جامعه باید آگاهیهای لازم را برای حیات در جامعه انسانی در اختیار گذاشته و نسل موجود را در برابر انحراف مقاوم سازد. بالا بردن سطح آگاهی، احیای روح منطق در افراد، ارائه الگو و شیوه زندگی سالم، الگوسازی مناسب در شئون مختلف زندگی، ایجاد ضمانت اجرایی در اندرون از طریق بیدار داشتن وجدان بگونه ای که در لغزشها خود را به محاکمه بکشاند از جمله وظایفی است که در این رابطه فرد وظایف عاملان تربیت بحساب می آید.

۲- توجه به سیستم و نظام تبلیغاتی جامعه، بنحوی که در مورد منابع کسب اطلاعات فرد، منبعی جز خانواده، مدرسه اجتماع کتب و نوشته ها و حاصل افکار و تامل و تفکر شخصی که آنهم بنحوی با منابع دیگر در ارتباط است را نمی شناسیم.

در مورد شرایط و عواملی که افراد تحت تاثیر آن هستند باید از سیستم تبلیغاتی جامعه نام ببریم که نقش سازندگی یا ویرانگری جامعه را بر عهده دارند. حتی در اهمیت نقش وسایل ارتباط جمعی و تبلیغاتی، جمعی گفته اند. حکومت و دولت از آن کسی است که این وسایل را در اختیار داشته باشد بدین سان این منابع و آن شرایط باید تحت ضابطه و اختیار قرار گیرند.

اساس تلاشها حول این محورها باید باشد:

- آگاهی های لازم و ضروری حیات در اختیار گذارده شود.
- برای تقویت روح و وظیفه شناسی قیام و اقدام گردد.
- وسعت دید و نظر در افراد پدید آید.
- ایمان و اعتقاد به حقیقتی استوار تقویت شود.
- امر به معروف و نهی از مکنر رسالت شناساندن معروف و منکر را در جامعه بر

عهده گیرد

- وجدانها را زنده و بیدار نگه دارند و از تحذیر و تضعیف آن جلوگیری نمایند.
- از تحریف واقعیتها بی خبر داشتن مردم و فلسفه باقی بر حذر باشند.
- تاسیسات ارشادی و تبلیغی با چنین کارکرد و وظایفی گسترش یابند مثل مسجد، موسسات و جلسات ارشادی، وسایل ارتباط جمعی، مطبوعات و کتب و ...

۳- تقویت مذهب و اخلاق و معنویت بصورتی که می توان گفت مذب عامل باز دارند نیرومندی در مقابل انحرافات است تنها روانهای به خدا پیوسته اتس که می تواند طریق خیر را تعیین و عقل را وادار به شناختن قالب خیر و شر نماید.

در شرایط و موقعیتهای امروزی چاره کار تجهیز بشریت به سلاح عقاید و اخلاق و ارزشها و مفهوم های عالییه آفرینش و معنویت است. امروزه می بایست پیوندی زده شود بین انسان و خدا بصورتی که انسانها مخلصاً کار بکنند. و بر این اساس است که تقویت مبانی معنوی و اخلاقی، اصول مذهبی و اعتقادات باد کانون توجه مسئولان باشد و این شئون در قالب الگوهایی به مردم عرضه گردد تا هر کس بداند و ببیند که چکار باید بکند تا طریق حیات را به سلامت و بدور از انحراف طی نماید.

۴- رعایت و اجرای قوانین

در جامعه توسط مردم و حکومت قوانین با توانایی هر چه بیشتر در جهت آرامش و آسایش مردم و خوف از اجرای عادلانه قانون برای کسانی که به مذهب و اخلاق و وجدان اعتنایی ندارند و پرهیز ایشان از انحراف به این وسیله بدیهی است که مردم باید از قانون رعب و هراس داشته باشند نه از پلیس و مسئولان لذا اجرای قانون باید نقش ممانعت و پیشگیری را داشته باشد نه چهره و لباس و اسلحه پلیس.

۵- سیاست بحث آزاد که نوعی تخلیه هیجان و در عین حال وسیله ای برای هشیار کردنها و بیداری دادنهاست. این سیاست خود می تواند نقش سیاسی تذهیبی را در جامعه ایفا کند که در جهان امروز طرفدارانی پیدا کرده است. لذا تشکیل جلسات برای بحثها، انتقادها دادن رهنمودها توسط عامه که در انهر کس نظری را آزادانه عرضه و ارائه نماید، برای وصول به مقاصد چنان سیاسی می تواند موثر باشد.

۶- گسترش نظارت اجتماعی در قالب نظارت مردم بر مردم در کاری بگونه ای که بتوانند یکدیگر را زیر نظر بگیرند که بدین وسیله از وقوع انحراف و لغزش تا حد زیادی جلوگیری بعمل می آید. این امر در نظام حیات اسلامی بصورت یک اصل است و امر بعمراف و نهی از منکر که واجبی همگانی است بر این اصل توجه دارد.

برخی از تعالیم ما در مذهب تشیع حکایت از این دارند که حتی با تحکم باید جلوی وقوع گناه یا انحراف را گرفت چون اصل بر عدم وقوع نافرمانی خدایا معصیت است و حداقل، اقدام، مقاومت منفی و ترک صحنه گنا است. در تمامی جوامع افراد و اجتماعات موجود در آن همگی طالب امنیت و آرامشند اما برای رسیدن به مطلوب خویش دیدگاهها و نظرات مختلفی دارند که عوامل برهم زننده امنیت جامعه را توجیه و به تجزیه و تحلیل آن پرداخته اند. دانشمندان علوم اجتماعی هر یک موضوع انحرافات و جرائم را لت یابی نموده و عوامل مختلفی برای پیشگیری از آن ذکر کرده اند، هر چند اکثر دانشمندان عامل یا عواملی را در پیدایش انحرافات و جرائم موثر دانسته اند اما باید گفت انحرافات و نابهنجاریها دارای ترکیب پیچیده ای هستند که نیاز به ریشه یابی عمیقی دارد و در پیدایش آن ممکن است یک عامل یا تمامی عوامل یا مکان و زمان و موقعیت بصورت موثر تاثیر گذار باشند.

در پایان ذکر این مسئله ضروری است که در طریق پیشگیری از انحراف و جرم، آنهم در جامعه ای که در آن انحرافات از قبیل پدید آمده و ریشه دار و مزمن شده است با دشواریهای مواجه خواهیم بود که اهم آنها عبارتند از: عادت ها مقاومت ها، کج سلیقگی ها کج فهمی ها کمی ظرفیت روانی یا به عبارت بهتر تنوع ظرفیت روانی در افراد، وجود موانع غیر قابل رفع، دفاع عده ای از بخطر افتادن منابع، د رمواردی تهمت زدنها، طرد

وردها حتی نقش کشیدن برای ترور شخصیت یا ترور شخص که اینها همه مواردی عادی و قابل وقوع هستند و در مقابل عواملی نیز غیر قابل پیش بینی هستند که شاید در زمان خاص و مکان خاص با شرایط خاص قد علم کرده و عامل انحراف می شوند در این میان ممکن است عواملی نیز باشند که به ظاهر قابل تشخیص و شناسایی نبوده و با عمقی نگری و ریشه یابی بتوان به وجود آنها پی برد لذا آنچه مسئولان را در برابر این دشواریها مقاوم می سازد، ایمان به مسئولیت و وظیفه ای است که بر عهده گرفته اند.

اصل بر پیشگیری است و در این راه از همه عوامل کمکی مشروع می توان مدد گرفت، همچون منطق و عقل عامه، عواطف و احساسات عمومی، ملاحظات و رودر بایستی ها و ... و در این راه از سس کردن و تحقیر و وارد آوردن فشار زیاده اندازه قابل تحمل، خودداری خواهد شد.

از دیدگاه اسلام، اگر صاحبان ثروت فقرا را دریابند و اگر عالمان جاهلان را و طبیبان مریضان را و صاحبان قدرت ضعیفان را دریابند جامعه متعادل شده و از هر آسیبی در امان می ماند چرا که خداوند به کسی بیش از وسع او نبخشید جز آنکه او را مکلف به بخشش مازاد نیاز خود کرده است.